

صنایع ایران

پیامدها و خصوصیات سازب - بر جهان شدن اقتصاد

چکیده

از ویژگیهای مهم اقتصادهای امروزه این که به هم نزدیک شده اند. این نزدیکی، جنبه های گوناگونی دارد. برای نمونه، جایجایی های کالا در جهان افزایش و سرعت بیشتری یافته است. در حالی که در سال ۱۹۹۰، صادرات کالا در جهان ۶/۵ درصد افزایش داشته، در سال ۲۰۰۰ به ۱۳ درصد رسیده است. چندین سال است که گردش بازرگانی جهانی دارای شتابی به مراتب بیشتر از تولید جهانی گستره جهانی، بر پایه اندازه مهارت و تخصص و نیز نابرابری های مزد و حقوق، در گردش و جایجایی هستند. مفهوم اصلی اندیشه خصوصی سازی بر این پایه استوار است که فضای حاکم بر اقتصاد و رقابت در بازارها، بنگاههای اقتصادی را بر آن می دارد تا با عملکرد کارتری فعالیت داشته باشند. در این نوشتار، به بررسی پیامدهای خصوصی سازی صنایع بزرگ بر جهانی شدن اقتصاد - با بهره گیری از شاخص جهانی شدن اقتصاد - پرداخته ایم و پیامدهای خصوصی شدن مالکیت صنایع با کدهای دو رقمی ISIC را بر روی شاخص جهانی شدن اقتصاد - با کاربری روش برآورد داده های ترکیبی - برآورد کرده ایم. در برآورد موجودی سرمایه، از روش نمایی بهره گیری شده است. این پیامد بر روی برخی صنایع، که توان رقابت ندارند، منفی بوده است. حال آن که، این رویکرد بر متغیرهایی؛ همچون سرمایه سرانه، باز بودن اقتصاد و نیروی کار متخصص و ماهر و ارزش افزوده پیامد مثبت داشته است.

دکتر محمد حسن فطرس، اصغر مبارک - دانشگاه بوعلی سینا، کارشناس ارشد اقتصاد

شد. از این روی، پس از پایان جنگ، در برنامه های توسعه اقتصادی کشور، کاهش مدیریت دولت در فعالیت های اقتصادی مورد توجه قرار گرفت و در پایان، به اصلاح اصل ۴۴ قانون اساسی رسید.

۲. واژگان جهانی شدن و خصوصی سازی خصوصی سازی؛ بر این پایه استوار است که فضای رقابتی حاکم بر بازارها و بنگاه های اقتصادی را وادار تا با کارایی بیشتری نسبت به بخش عمومی فعالیت کنند. بر پایه این اندیشه، واژه هایی

پیامدهایی مانند دیوان سالاری اداری، نارسایی سامانه های ارزیابی، چندگانگی هدف ها، نبود انگیزه کاری و نوآوری و هواداریهای نابجای اقتصادی را در برداشت و در بیشتر کشورها، به ناکارایی اقتصادی انجامید، تا آنجا که در دهه های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰، سیاست آزاد سازی؛ به عنوان الگویی برای رویارویی با این نارسایی ها و دشواری های اقتصادی در گستره جهانی، به میدان آمد. این رویکرد در ایران نیز، با پایان گرفتن جنگ ایران و عراق به میان آمد. پس از پیروزی انقلاب اسلامی، اوضاع نابسامان بنگاه های بزرگ صنعتی، کشاورزی و مالی کشور، دولت را بر آن داشت تا بر پایه قانون «حفاظت و توسعه صنایع ایران»، شرکت های زیادی را زیر پوشش آورد و آنها را ملی (دولتی) کند. مالکیت دولتی صنایع و دخالت دولت در اقتصاد، پیش از انقلاب نیز وجود داشت. اما، این روند، پس از انقلاب شتاب گرفت و ناکارایی اقتصادی بیشتری را سبب شد. از این روی، پس از انقلاب شتاب گرفت و ناکارایی اقتصادی بیشتری را سبب

و نابرابری های مزد و حقوق در گردش بوده اند. در این فضا، صنایع نیز برنامه های لازم و ضروری را برای جهانی شدن به کار می بندند و وارد پهنه جهانی اقتصاد می شوند. جهانی شدن اقتصاد، باعث رقابت میان صنایع گوناگون تولیدی و خدماتی شده است. دسترسی به بازارهای جهانی، تولید را به چند و چون جهانی در برابر می نهد و زمینه گوناگونی تولید را فراهم می سازد و کشور را به بازارهای سرمایه ای و مالی جهان پیوند می دهد. برای به بار نشستن این آماج، یکی از روش های درخور، کاهش مدیریت و کارگزاریهایی دولتی است. خصوصی سازی، از جمله در صنایع، برای تحقق چنین هدفهایی، پیش کشیده می شود. در سال های ۱۹۳۰ تا ۱۹۷۰، دولتها، با هدف کاستن از تنگناهای بازار، ایجاد زیر ساخت های اقتصادی تخصیص بهینه منابع، فراهم آوری کالاها و خدمات اساسی و دستیابی به هدفهای سیاسی و اجتماعی؛ شمار زیادی از برنامه های اقتصادی را بر عهده گرفتند. افزایش دامنه فعالیت های دولتها؛

۱. پیشگفتار امروزه، شکل بندی و ترکیب اقتصادها با گذشته، ناهمسانی های زیادی یافته است. این فرآیند، تنها به دلیل اختراعات و اکتشافات تازه نیست. بلکه، به این دلیل است که اقتصادها جهانی شده است. مهمترین ویژگی اقتصادهای امروز در این است که به هم نزدیک شده اند. این نزدیکی، از جنبه های گوناگون ایجاد شده است. از جمله؛ جایجایی های کالایی در جهان افزایش و شتاب بیشتری یافته است. در حالی که در سال ۱۹۹۰، صادرات کالا در جهان ۶/۵ درصد افزایش داشته، در سال ۲۰۰۰، به ۱۳ درصد رسیده است. جایجایی کالایی در پهنه جهانی، کمابیش چهار برابر تولید کالاها در جهان بوده است. دست اندرکاران بازرگانی جهانی نیز بر این باورند که چندین سال است گردش بازرگانی جهانی، دارای شتابی بیش از تولید جهانی بوده است. دلیل اصلی این فرآیند، نزدیک شدن اقتصاد کشورها به همدیگر است. گذشته از گردش سرمایه و پول، انسان ها؛ نیز در گسترده جهانی، بر پایه اندازه مهارت و تخصص

در سال های ۱۹۳۰ تا ۱۹۷۰، دولتها، با هدف کاستن از تنگناهای بازار، ایجاد زیر ساخت های اقتصادی تخصیص بهینه منابع، فراهم آوری کالاها و خدمات اساسی و دستیابی به هدفهای سیاسی و اجتماعی؛ شمار زیادی از برنامه های اقتصادی را بر عهده گرفتند

به میان آمده که همگی برگرفته از هدف های خصوصی سازی است. ولجانوسکی؛ خصوصی سازی را به معنای واگذاری فعالیت های اقتصادی به بخش خصوصی، یا دست به دست کردن مالکیت داراییها به بخش خصوصی می داند. کی و تامسون؛ خصوصی سازی را آنچنان دگرگونی پیوند میان دولت و بخش خصوصی می دانند که ملی کردن یا فروش دارایی های دولت، مقررت زدایی یا زدودن ضوابط محدود کننده و ایجاد رقابت در انحصارهای دولتی و پیمانکاری را در پی دارد. بس؛ خصوصی سازی را نشانه بر کشیدن اندیشگی سرمایه داری و اعتماد به کارایی بازار در برابر بی اعتمادی به کارایی بخش عمومی بیان کرده است. بیس لی و چایلد؛ خصوصی سازی را وسیله ای می داند برای بهبود عملکرد فعالیت های اقتصادی، از راه افزایش نقش نیروهای بازار، به شرطی که نیمی از سهام دولتی به بخش خصوصی واگذار شود.

برای «جهانی شدن» تعریف فراگیر و روشنی به دست داده نشده است. این پدیده، همچنان دستخوش دگرگونی است و با گذشت زمان، رویه های تازه بی از آن آشکار می شود. جیمز روزنا؛ در این باره می گوید: «به علت چند گونگی و رویه های گوناگون جهانی شدن و نیز به آن دلیل که مفهوم جهانی شدن در زمینه های گوناگون باز شناخت اقتصاد، سیاست، فرهنگ و ایدئولوژی پیوند برقرار می کند، هنوز زود است که از این پدیده به تعریف کاملی برسیم.»

مارتین آلبرو؛ جهانی شدن را فرآیندی می داند که بر پایه آن؛ مردم جهان در یک جامعه فراگیر جهانی به هم پیوند می خورند. امانوئل ریشتر؛ جهانی شدن را شکل گیری شبکه یی می داند که در آن، اجتماعاتی که پیش از این دورافتاده و تنها بودند؛ در وابستگی چندگانه و یکتایی جهانی، وارد می شوند و بهم می پیوندند. جهانی شدن، به مفهومی؛ ورود به رقابت در گستره جهانی است. رقابتی که برای کشورهای ثروتمند، درآمد بیشتر و برای کشورهای واپس مانده، ناداری بیشتر در بر دارد. یعنی؛ سامانه توزیع درآمد را به سود توانمندان دگرگون می سازد. جهانی شدن؛ دوران دگرگونی ژرف سرمایه داری است که

امانوئل ریشتر؛ جهانی شدن را شکل گیری شبکه یی می داند که در آن، اجتماعاتی که پیش از این دورافتاده و تنها بودند؛ در وابستگی چندگانه و یکتایی جهانی، وارد می شوند و بهم می پیوندند. جهانی شدن، به مفهومی؛ ورود به رقابت در گستره جهانی است

در سایه چیرگی کشورهای توانمند، حاکمیت سامانه جهانی و داد و ستد ناهماهنگ، صورت می گیرد.

جهانی شدن، واپس نشینی دولت از جایگاه چیره خود در زمینه های اقتصادی و اجتماعی را در پی دارد. ستیز دیرین برای دستیابی به آزادی و مسئولیت پذیر کردن دولت ها، می تواند آنها را در برابر مردم خود پاسخگو کند. اما، جهانی شدن؛ با جابه جایی کانون زور از کشورها به شرکت های فراملیتی و توانمندسازی دیوانسالاری بین المللی، ممکن است موجب کم رنگ شدن این مسئولین پذیری شود.

انتشار کتاب دهکده جهانی مک لوهان در ۱۹۶۵، انتشار کتاب موج سوم آلوین تافلر در سال ۱۹۸۷، پایان جنگ سرد در پی فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی در سال های ۱۹۸۹-۱۹۹۱ و برپایی سازمان بازرگانی جهانی در سال ۱۹۹۵ را از عوامل شتاب فرآیند جهانی شدن اقتصاد به شمار می آورند.

خصوصی سازی در کشورهایی همچون هند، مالزی و مجارستان، این هدف ها را دنبال کرده است؛ شناساندن اقتصاد آزاد و افزایش کارایی بنگاهها، شکل دادن یک سامانه اقتصادی بر پایه حقوق دارایی های خصوصی و آزادی فردی، کاهش بوروکراسی و ناهنجاری اقتصادی، افزایش نقش حقوق مالکیت و باز شدن اقتصاد و در نهایت گسترش درآمدهای اقتصادی دولت در بیشتر کشورهای رو به توسعه، کاهش کارگزاری دولت، واکنشی در برابر گسترش فعالیت های دولت است که

برای شتاب در راه توسعه اقتصادی صورت می گیرد. ترکیه، خصوصی سازی را یک فرصت درخور برای پویایی اقتصاد دانسته است.

آماج خصوصی سازی در اقتصاد را می توان چنین برشمرد:

۱. کاهش کارگزاری دولت؛ کاهش اندازه و حجم فعالیت های دولتی، که در حقیقت تنگ کردن زمینه فعالیت های دولت در حوزه های گوناگون اقتصاد، از جمله در بخش تولید است. این رویکرد، واکنشی در برابر گسترش فعالیت های اقتصادی دولت، به ویژه پس از جنگ جهانی دوم است.
۲. جا به جایی مالکیت و کنترل اقتصادی؛ دست به دست شدن مالکیت در کشورهای پیشرفته، موجب کاهش برخی از درگیری ها و مسئولیت های قانونی تصمیم گیرندگان سیاسی می شود که درباره سرمایه گذاری و دیگر زمینه های تولیدی و بازرگانی شرکت ها تصمیم گیری می کنند.
۳. افزایش بازدهی و بهره وری؛ به باور بسیاری از اقتصاد دانان؛ رفتن به سوی بازار، با افزایش کارایی همراه است. ساز و کارهای بازار مالی، بازگشت سرمایه را سامان می دهد که برای به دست آوردن خشنودی سرمایه گذاران و سهامداران بایسته است.
۴. کاهش کسب و بوجه و بدهی های دولتی؛ کاهش حجم فعالیت های دولت، با فروش دارایی یا روش های دیگر، همواره موجب کاهش هزینه ها و افزایش درآمدهای دولت می شود. در صورتی که دولت بتواند افزایش هزینه برنامه های آتی خود را کند کند، فروش مستقیم دارایی ها و شرکت های زیر پوشش، درآمدهای نقدی را، فراخور میزان و روش فروش، افزایش می دهد و برخی از دشواری های کوتاه مدت را از میان بر می دارد.
۵. افزایش رقابت پذیری اقتصاد؛ رقابت، پایه و شاخص برتر در اندیشگی سرمایه داری است. براین پایه، هر کنشگری که بازدارنده رقابت در بازار شود، موجب ناکارایی بازار خواهد شد.
۶. گسترش بازار سرمایه؛ فرآیند خصوصی سازی؛ پراکنش مالکیت سهام را گسترده تر می کند و اندازه معاملات در بورس و بازار سرمایه را افزایش می دهد و نهادهای مالی تازه و چند گانه یی

را پدید می آورد.

۳. خصوصی سازی در ایران

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، به دلایل چندی، نقش دولت در اقتصاد، بسی گسترش یافت. این گسترش، کارایی فعالیت های اقتصادی دولتها را کاهش می داد. بنابراین، تنگ کردن حوزه فعالیت های اقتصادی دولت، خصوصی سازی و کاهش کارگزاریهای دولت از سئوالات برنامه نخست توسعه اقتصادی قرار گرفت. این برنامه را، می توان نقطه آغاز سیاست خصوصی سازی در ایران نامید. با تصویب هیات وزیران در تاریخ ۱۳۷۰/۲/۴ و با توجه به اصل های ۱۳۴ و ۱۳۸ قانون اساسی و در راستای به بار نشینی هدف ها و برنامه های توسعه اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی، مصوب ۱۳۶۸/۱۱/۱۱ و در اجرای بندهای ۲/۳۷، ۳/۴، ۸/۸ جزء خط مشی های قسمت یکم قانون مزبور و برای بالا بردن بازدهی فعالیت های اقتصادی و کاهش حجم کارگزاری های دولت در فعالیت های اقتصادی و خدماتی غیر ضروری و نیز بهترین بهره گیری از امکانات کشور؛ سیاست واگذاری سهام وابسته به شرکت ها و سازمان های دولتی در دستور کار قرار گرفت.

از جمله هدفهایی که برای خصوصی سازی در ایران گفته اند، چنین است:

در ایران، افزون بر موارد شکست بازار، زمینه هایی مانند لزوم بنیاد زیربنای

آغازین اقتصادی، همسازی فرآیند و هدایت برنامه‌های توسعه، بهره‌برداری در خور از منابع طبیعی، تحقق هدف‌های اجتماعی و رفاهی؛ ... دلیل حضور گسترده و تعیین‌کننده دولت در فعالیت‌های اقتصادی بوده است. در سال‌های پس از انقلاب، به دلایل چندی، حضور دولت در زمینه‌های اقتصاد بیشتر شد. با گذشت زمان و با درهم آمیزی فعالیت‌های سودآور و بدون سود دولت و نبود ساز و کارهای درخور ارزیابی و حسابرسی شرکت‌های دولتی و مدیریت ناکارآمد بنگاه‌های دولتی، پراکندگی هدفها، نبود روشننگری اقتصادی برخی از فعالیت‌ها؛ باعث ناکارایی شرکت‌های دولتی شده بود.

۴. مدل‌های آمودنی برای خصوصی سازی صنایع در ایران

آماج توسعه صنعتی ایران، با میدان داری توسعه رقابت پذیری، باید در هم اندیشی با نمایندگان صنعت فراهم آید، به گونه‌ای که سیاست صنعتی دولت، بر پایه نگرشهای کوتاه مدت سیاسی و اقتصادی، یا به صورت برآیندی از سود گروههای ویژه شکل نگیرد. دولت در تنظیم دخالتها و سیاست‌های پشتیبانی خود؛ با هدف قرار دادن افزایش تولید رقابتی، باید با هدفمندی، مشروط و زمانبندی شده، به زودن کاستی‌ها و دشواریهای بنگاه‌ها و صنایع ویژه بپردازد و همواره از پشتیبانی‌های بی‌مرز و همگانی بپرهیزد. اجرای کارای سیاست‌های صنعتی، نیازمند پیش‌نیازهای مهمی، همچون پایداری سیاسی، تضمین حقوق فردی، اراده سیاسی برای توسعه، پایداری زمینه اقتصاد کلان، نهادهای توسعه‌ای، توسعه فناوری، پژوهش و توسعه، گسترش کارآفرینی و مهارت، کنترل کیفی و استاندارد است. دگرگون شدن نقش دولت از یک سو و جهانی شدن از سوی دیگر، گسترش بخش خصوصی را پیش روی توسعه صنعتی ایران می‌گذارد. روند شاخصهای اقتصاد کلان ایران، نشان دهنده یک زمینه پایدار برای فعالیت‌های بخش خصوصی نیست.

در اقتصاد ایران، به علت استراتژی درون

نگری در گذشته، ماهیت توسعه آموزش و بالا بردن فناوری؛ بر این استوار بوده است که بنگاه‌ها در یک فضای اقتصادی بسته با چالش همیشگی بازار روبه‌رو نبوده‌اند. با چنین ویژگی‌هایی؛ بسیاری از بنگاه‌ها در راه انباشت ظرفیت‌های داخلی فناوری، مدیریت شده‌اند که در چالش‌های رقابتی و با شرایط آزادتر، به آنها کمک نمی‌کند.

یکی از چالش‌های پایه‌ی دولت در آینده، عضویت ایران در سازمان بازرگانی جهانی و مدیریت فرآیند آزاد سازی اقتصاد در این راستا است. شاید بهره‌گیری از روش آزاد سازی گام به گام، بتواند رهیافت در خوری در این زمینه باشد. در این رهیافت؛ باید پشتیبانی‌های شدید، پیوسته و ناآگاهانه و دیگر بازدارنده‌های رقابت-که ساختار انگیزشی و فرآیند ظرفیت سازی را ویران می‌کند- رفته رفته کاهش یابد و از میان برداشته شود.

برای سرمایه‌گذاری‌های بخش‌های خصوصی و دولتی؛ از الگوهای چندی یاد شده است که می‌توان خلاصه آنها را چنین بر شمرد:

۱. الگوی نخست؛ پیوند رشد درآمد ملی را با سرمایه‌گذاری‌های بخش‌های خصوصی و دولتی که در آن رشد نیروی کار و رشد متغیر دیگری که مورد نظر است، بررسی می‌کند، تا از این راه بتواند پیامد مجموع این موارد را در کنار هم آزمون کند.

۲. الگوی دوم؛ درباره پیامد سرمایه‌گذاری و اعتبارات بخش دولتی بر سرمایه‌گذاری خصوصی است.

۳. الگوی سوم؛ سرمایه‌گذاری بخش خصوصی را بر پایه هزینه سرمایه و تولید ملی، در چارچوب اندیشه‌های نئو کلاسیکی بررسی می‌کند.

دنیز تیکرت و همکاران (۲۰۰۵) روی الگوهای سرمایه‌گذاری دولتی و خصوصی در پاکستان به بررسی پرداختند. آنها سرمایه‌گذاری‌های دولتی را، به زیر بنایی و رونمایی بخش کردند. مدل‌های اقتصادسنجی به کار رفته در این پژوهش چنین است:

$$I_p = b_0 + b_1 \Delta GDP + b_2 \Delta CRD = b_3 I_G$$

$$I_G = b_0 + b_1 \Delta GDP + b_2 \Delta CRD + b_4 GINF(-2) + b_5 GNON$$

دگرگون شدن نقش دولت از یک سو و جهانی شدن از سوی دیگر، گسترش بخش خصوصی را پیش روی توسعه صنعتی ایران می‌گذارد. روند شاخصهای اقتصاد کلان ایران، نشان دهنده یک زمینه پایدار برای فعالیت‌های بخش خصوصی نیست

مدل دیگری را ماول رابرتز نشان داد که هر جا سرمایه‌گذاری زیربنایی بیشتر باشد، سرمایه‌گذاری خصوصی و پیامد آن تولید بیشتری به دست خواهد آمد:

$$\Delta I_t = \alpha + \beta(LPY_t + \delta(L) \Delta C_t + \theta(I_{t-1} - Y - C))$$

در اینجا، مدلی که برای پیامدهای خصوصی سازی صنایع بزرگ بر جهانی شدن اقتصاد در نظر گرفته شده، عبارت است از رویکرد اقتصادسنجی الگوی داده‌های ترکیبی دو سویه.

۱-۴ الگوی رگرسیونی داده‌های ترکیبی و ویژگی‌های آن

روی هم رفته، باز شناخت تجربی داده‌های در دسترس، به سه دسته می‌شود:

۱. داده‌های سری زمانی
۲. داده‌های برشی
۳. داده‌های تلفیقی (داده‌های سری زمانی و برشی)

در سری زمانی، اندازه یک یا چند متغیر را در یک دوره زمانی بررسی می‌کنیم. مانند ارزش تولید یک کارگاه در سال‌های پیاپی. در داده‌های برشی، اندازه‌های یک یا چند بنگاه اقتصادی در یک زمان ویژه جمع‌آوری می‌شود. مانند شمار شاغلان هر یک از کارگاه‌های نمونه‌گیری شده صنایع روستایی. داده‌های بهم پیوسته، آمیزه‌ای از داده‌های سری زمانی و برشی است. یعنی، داده‌های برشی را در درازای یک زمان نگاه می‌کنیم. مانند شما شاغلان صنایع روستایی برای چندین دوره زمانی.

۲-۴ آزمون معنی دار بودن گروه برای روشننگری بودن (یا نبودن) عرض از مبدا جداگانه، از آماره F، به صورت

زیر بهره می‌بریم:

$$H_0: \alpha_0 = \alpha_1 = \dots = \alpha_k = \alpha$$

$$H_1: \alpha_i \neq \alpha_j$$

که در آن؛ U نشان دهنده مدل محدود نشده و P، نشان دهنده مدل پولینگ یا محدود شده با یک عبارت ثابت برای همگی گروه‌ها است. K، شمار متغیرهای توضیحی ضروری در مدل، n شمار برش‌ها و N=nt شمار همگی آزمون‌ها (t دوره زمانی آزمایش) است.

$$F(8, 67) = 55/7$$

از آنجا که F با درجه آزادی ۸ و ۶۷ در سطح احتمال ۹۵ درصد، کمابیش برابر ۲/۰۷ است و با توجه به اینکه F به دست آمده در آزمون، بیشتر از F جدول است، فرضیه H₀ رد شده، اثرات گروه پذیرفته می‌شود و باید عرض از مبدهای گوناگونی را در برآورد آورد.

۳-۴ آزمون هاسمن

برای آزمون این که؛ آیا مدل می‌باید با بهره‌گیری از روش اثرات ثابت یا اثرات تصادفی برآورد شود، از آزمون هاسمن بهره‌برد که به صورت زیر تعریف می‌شود:

H0: Random Effects

H1: Fixed Effects

$$H = nq \hat{A} \text{var}(q \hat{A})^{-1} q$$

که در آن:

$q = (BFE - \beta EC)$ تفاضل ضرایب برآورد شده برای متغیرهای توضیحی دیده شده در روش اثرات ثابت و تصادفی ($q = A \text{var}(q)$) واریانس مجانبی q و n شمار آزمونها است. آماره آزمون هاسمن، دارای بخش X^2 با درجه آزادی β است.

آماره آزمون هاسمن، به صورت زیر است. این اندازه، نشان از بهره‌گیری از پیامدهای ثابت در برآورد داده‌های تلفیقی دارد. آماره آن نیز محاسبه شده است. انگار صفر این است که؛ بر آورد کننده‌های مدل اثرات تصادفی و اثرات ثابت، به طور اساسی، نابرابری با یکدیگر ندارند. اگر انگاره صفر رد شود، نتیجه می‌گیریم که؛ روش اثرات تصادفی در خور نیست و بهتر است از روش اثرات تصادفی در خور نیست و بهتر است از روش اثرات ثابت بهره‌گیری کنیم. آماره هاسمن، دارای بخش X^2 ، بدرجه آزادی برابر با شمار ضریبهای

برآورد شده در مدل است. اگر آماره محاسبه شده در سطح احتمال معین، از پخش X^2 جدول بزرگتر باشد، در این صورت انگاره صفر رد می شود.

۴۴/۸۹ آماره آزمون هاسمن با پخش X^2_{β}

۰/۰۴۹ مقدار احتمال آزمون هاسمن تابع پیشنهاد شده در این پژوهش، چنین است:

$$LIT_{it} = F(LSDI_{it}, LADD_{it}, LOPEN_{it}, LRKL_{it}, LPIM_{it})$$

که در آن:

LIT_{it} : شاخص جهانی شدن برای هر صنعت

$LSDI_{it}$: شاخص سرمایه انسانی برای هر صنعت

$LADD_{it}$: مقدار ارزش افزوده هر صنعت

$LOPEN_{it}$: شاخص باز بوده اقتصاد در هر صنعت

$LRKL_{it}$: شاخص سرمایه بری هر صنعت

$LPIM_{it}$: شاخص مالکیت خصوصی

۵. واکنشی الگوی بر آورد شده

شاخص جهانی شدن برای هر صنعت، به عنوان متغیر وابسته در نظر گرفته شده است. اندازه این شاخص در فاصله صفر و یک بوده، در صنایع گوناگون دارای تغییرات مهمی است. بیشترین اندازه این شاخص در صنایع ماشین ها، شیمیایی، فلزی و غیر فلزی بوده است. تغییرات این شاخصها در فاصله سال های گوناگون - به جز در صنایع متفرقه، مواد غذایی و آشامیدنی و نساجی و پوشاک- با کم و زیاد شدن اندکی همراه بوده است.

شاخص سرمایه انسانی برای صنعت: پیامد این سازه اقتصادی را بر جهانی شدن اقتصاد در هر صنعت، می توان دارای اثرات مثبتی دانست. افزایش این شاخص در هر صنعت، بر این گواهی دارد که با زیاد شدن نیروی کار متخصص، بهره وری و رقابت پذیری صنعت را با جهانی شد اقتصاد افزایش می دهد و مزین رقابتی را جایگزین مزیت نسبی خواهد کرد.

ارزش افزوده هر صنعت: عبارت است از ارزش ستانده ها منهای ارزش داده ها.

در هر صنعت، پیامدهای این متغیر بر شاخص جهانی شدن اقتصاد مثبت ارزیابی می شود. پس، بیشتر بودن و اثرات مثبت آن در هر صنعت، باعث افزایش رقابت پذیری صنایع در آینده می نزدیک خواهد شد.

شاخص باز بودن اقتصاد در هر صنعت: این متغیر یکی از مهمترین سازه های اثر گذار در هر اقتصاد است. پیامدهای مثبت این ضریب بر شاخص جهانی شدن اقتصاد، به دلیل داد و ستدهایی است که هر صنعت با شرکای بازرگانی خود در خارج از کشور دارد که موجب افزایش ورود فناوریهای نو با افزایش کارایی و رقابت پذیری در هر صنعت همراه خواهد بود.

شاخص سرمایه بری هر صنعت: این شاخص، اندازه سرمایه بری هر صنعت را در برابر نیروی کار مورد لزوم نشان می دهد. این شاخص، بر متغیر جهانی شدن اقتصاد دارای اثرات مثبت است. افزایش اندازه این شاخص در هر صنعت، نشانگر افزایش بهره وری نیروی کار در مقایسه با سرمایه مورد نیاز است. عکس این موضوع نیز گویا است.

شاخص مالکیت خصوصی: مهمترین سازه بی که در کشورهای رو به توسعه، اثرات مثبت و کارا بر شاخص جهانی شدن اقتصاد دارد، مالکیت خصوصی در صنایع تولیدی است. در این پژوهش، پیامدهای هر یک از صنایع با جداسازی تاثیر گذاری مالکیت آنها از دولتی به خصوصی، به بررسی درآمده است. دستاوردها، گویای آن است که بیشتر پیامد این متغیر در صنایع شیمیایی، ماشین آلات، صنایع فلزی و غیر فلزی و صنایع چوبی و فرآورده های چوبی بوده است و کمترین اندازه تاثیر گذاری در صنایع کاغذ و انتشارات بوده است. در دیگر صنایع، همچون مواد غذایی و آشامیدنی و توتون و تنباکو، نساجی و پوشاک و صنایع متفرقه، دارای پیامدهای منفی بوده است. در این باره دلایل زیر را می توان بر شمرد:

الف) در انحصار مالکیت دولتی بودن و عدم کارایی
ب) پشتیبانی های نادرست دولت در ایجاد رقابت و رونق بخشی به این صنایع

پ) پس نبودن هزینه های پژوهش و توسعه در این صنایع
ت) دور ماندن آنها از فناوری های روز دنیا.
جدول شماره (۱)، پیامد ضریبهای گوناگون مالکیت خصوصی بر شاخص جهانی شدن اقتصاد در صنایع می دهد (شاخص مالکیت برای هر صنعت، با در نظر گرفتن پیامدهای برشی نشان داده می شود.)

جدول ۱- پیامد ضریب های مالکیت خصوصی بر شاخص جهانی شدن اقتصاد در صنایع

نوع متغیر	عرض از مبدا	LSDI	LOPEN	LADD	LRKL	LPIM
۳۱	۱-۸۰۷۴۴	۰/۰۱۶	۰/۰۶۵	۰/۰۳۱۱	۰/۰۳۶	۹-۱۴۰۶۵۴ t=(۱۱۹-)
۳۲	۰-۹۱۸۰۸	۰/۰۱۶	۰/۰۶۵	۰/۰۳۱۱	۰/۰۳۶	۰-۳۹۵۸۱۵ t=(۱-۰/۰۲)
۳۳	-۵۲۵۹	۰/۰۱۶	۰/۰۶۵	۰/۰۳۱۱	۰/۰۳۶	۳/۲۸۶۳۹۰ t=(۱۸/۶۴)
۳۴	-۸۲۷۱۷	۰/۰۱۶	۰/۰۶۵	۰/۰۳۱۱	۰/۰۳۶	۰/۶۰۱۱۸۰ t=(۳/۴۸)
۳۵	-۶۵۸۲۲	۰/۰۱۶	۰/۰۶۵	۰/۰۳۱۱	۰/۰۳۶	۶/۳۸۶۶۸۱ t=(۵/۱۳)
۳۶	۱-۴۶۱۸۷	۰/۰۱۶	۰/۰۶۵	۰/۰۳۱۱	۰/۰۳۶	۶/۳۹۵۵۷ t=(۹/۳۵)
۳۷	-۱۷۷۸۲	۰/۰۱۶	۰/۰۶۵	۰/۰۳۱۱	۰/۰۳۶	۸/۰۸۱۲۷۳ t=(۹/۶۷)
۳۸	۱-۱۹۲۴۶	۰/۰۱۶	۰/۰۶۵	۰/۰۳۱۱	۰/۰۳۶	۳/۴۱۶۵۶۵ t=(۵/۵۲)
۳۹	۰/۴۹۱۶۵	۰/۰۱۶	۰/۰۶۵	۰/۰۳۱۱	۰/۰۳۶	۳-۸۷۸۳۲۳ t=(۳-۵۳)

۱-۵ آزمون واریانس ناهمسانی

مقایسه می کنیم. در صورت رد نشدن انگاره نخستین، دارای دشواری واریانس ناهمسانی در برآوردها نخواهیم بود. اندازه محاسبه شده آماره این آزمون برابر است با:

$$Lm = 115.64$$

۶. رهاورد پژوهش

پژوهشهای بسیاری به بررسی پیوند میان جهانی شدن اقتصاد ایران و خصوصی سازی در بخشهای گوناگون اقتصادی پرداخته اند. دستاورد بخش های اقتصادی، پیامدهای ناهمسان جهانی شدن را نشان داده اند. در بخشهایی چون صنعت و کشاورزی - که کما بیش از فناوری های تازه برخوردارند - با جهانی شدن این بخش ها و گسترش رقابت پذیری، بهره وری و کارایی اقتصادی افزایش می یابد. در پایان، اقتصاد دارای مزیت نسبی، جای خود را به اقتصاد دارای مزیت رقابتی خواهد داد.

منابع در دفتر نشریه موجود است.

در داده های ترکیبی: روشهای چندی برای آزمون واریانس ناهمسانی در دست هست. آزمون ضریب لاگرانژ، ساده ترین و درخورترین راه برای آزمون واریانس ناهمسانی است. زیرا، به برآوردهای اضافی برای آزمون نیازی نیست. این آزمون، در زمینه (Excel) انجام شده است. انگاره در نظر گرفته شده، به صورت زیر است:

$$H_{11}: \sigma_1^2 = \sigma_2^2$$

$$H_1: \sigma_1^2 \neq \sigma_2^2$$

آماره ضریب لاگرانژ (که با برآورد کننده داده های ترکیبی در حالت های گوناگون تعیین شدند) به صورت زیر محاسبه می شود:

$$LM = \sum \dots$$

این آماره، با پخش X^2 و با $n-1$ درجه آزادی، اندازه واریانس آزمون را برای هر برش زمانی و در حالت کلی به دست می دهد. آن را با آماره جدول